

روایت‌های زیست‌محیطی: فلسفه‌ی برابری‌طلبانه و اکوسوفی در نفی انسان‌محوری در اورلاندوی ویرجینیا وولف

چکیده

بی‌تردید انسان همواره سعی در تثبیت جایگاه خود بر روی کره زمین داشته است. بسیاری از نویسندگان با آثار خود سعی در طرح این مسئله قابل مناقشه داشته‌اند، از جمله ویرجینیا وولف (1882-1942) نویسنده نوگرای بریتانیایی که با آثارش به جلب توجه خوانندگان خویش به محیط زیست و طبیعت و ارتقاء خرد بوم‌شناسی آن‌ها می‌پردازد. در رمان *اورلاندو: یک سرگذشت*¹ (1928) وولف با توسل به روایت‌های زیست‌محیطی² با طرح فلسفه‌ی برابری‌طلبانه³ مسئله‌ی پرچالش انسان‌محوری⁴ را محکوم می‌کند. این تحقیق بر آن است تا با بررسی رمان *اورلاندو* وولف به تحلیل فلسفه‌ی برابری‌طلبی و محکومیت انسان‌محوری بپردازد. مقاله حاضر، جایگاه انسان را بر روی کره زمین زیر سؤال می‌برد و اثبات می‌کند که انسان‌ها باید سعی در ارتقاء خرد و آگاهی بوم‌شناسی خود کنند، که همان اکوسوفی⁵ است که توسط آرنه نایس⁶ (1912 - 2009) فیلسوف و منتقد بوم‌گرای نروژی مطرح شده است. فلسفه‌ی اکوسوفی جزء تئوری نقد بوم‌گرا⁷ محسوب می‌شود و در نتیجه آن انسان پی می‌برد که تمامی موجودات روی کره خاکی اعم از کوچکترین آن‌ها که با چشم غیرمسلح قابل رویت است، تا بزرگترین موجودات از حقوقی برابر برای دسترسی به امکانات برای ادامه حیات برخوردارند. بنابراین شخصیت اصلی داستان، اورلاندو به نكوش اجداد خویش در پرسشگری در باب فلسفه‌ی برابری‌طلبی می‌پردازد، و در واقع، وولف در پی اثبات این امر است که چگونه از طریق قدرت روایت زیست‌محیطی حقیقت را که گاهی کتمان شده و یا رنگ باخته است، احیاء کند. **واژگان کلیدی:** انسان‌محوری، نقد بوم‌گرا، اکوسوفی، محیط زیست، روایت زیست‌محیطی، فلسفه‌ی برابری‌طلبی، طبیعت.

مقدمه

ویرجینیا وولف⁸ (آدلین ویرجینیا استفن⁹) در 25 ژانویه 1882 در هاید پارک گیت¹⁰ در کنزینگتون¹¹ لندن به دنیا آمد. وی سومین فرزند یک زوج اشرافی و روشنفکر انگلیسی بود. آگاهی زیست‌محیطی وولف در وهله اول توسط پدرش، لسلی استفن¹² (1832-1904) برانگیخته شد، زیرا لسلی عادت داشت انواع مختلفی از گل‌ها را برای نگهداری، جمع‌آوری کند و این عمل برای همه فرزندان، به ویژه وولف برای آشنایی با انواع مختلف گیاهان چه آن‌هایی که در

¹ *Orlando: A Biography*

² Environmental Narrative

³ Egalitarianism

⁴ Anthropocentrism

⁵ *Ecosophy*

⁶ Arne Naess

⁷ Ecocriticism

⁸ Virginia Woolf

⁹ Adeline Virginia Stephen

¹⁰ Hyde Park Gate

¹¹ Kensington

¹² Leslie Stephen

باغچه منزلش می‌رویدند و چه آن‌هایی که در خارج از منزل آن‌ها رشد می‌کردند، آموزنده بود. در واقع، پدرش علاقه‌ی وولف به گیاه‌شناسی را برانگیخت و در نتیجه وی کنجکاو شد تا اطلاعاتی در مورد گونه‌های مختلف گیاهی بیاموزد. علاوه بر این، وولف به همراه خواهران و برادرانش با جانورشناسی و حشره‌شناسی بر حسب جمع‌آوری گونه‌های مختلف حشرات مانند: بید پروانه و شته، آشنا شد. سپس وی با خانواده‌اش با جمع‌آوری گونه‌های مختلف حشرات مجموعه‌ای خانوادگی را شکل داد، «چگونه موزه [خانواده] پیش می‌رود؟ پدر می‌گوید که آن‌ها میمونی را کشف کرده‌اند که از هر چیز دیگری که تا به حال کشف شده است به انسان نزدیکتر است» (*Letters¹ جلد اول 2*). بنابراین، طبیعت و موجودات زنده برایش همواره جالب بودند.

تحقیق حاضر به استناد منابع کتابخانه‌ای و روش تحلیلی توصیفی به بررسی رمان *اورلاندو* (1928) از دیدگاه نقد بوم‌گرا می‌پردازد. وولف معتقد است که متن ادبی مانند رمان، شعر یا داستان کوتاه به اندازه کافی واقعیت و حقیقت را بیان می‌کند و انسان‌ها دنیای داستان را با روایت زیست‌محیطی بهتر درک می‌کنند. برخی معتقدند که انسان‌ها مستحق توجه جدی‌تری هستند و دیگر موجودات باید از هنجارهای برابری‌طلبانه در یک جامعه کنار گذاشته شوند. برعکس، وولف ایمان دارد که برابری از هر نوع باید به درستی و مثبت ارزیابی شود.

مقاله حاضر تلاش وولف برای آگاهی بوم‌شناسی خوانندگان خود را احیا و آن را ارتقا می‌بخشد و آن‌ها را وادار به کشف حقیقتی می‌کند که در رابطه با محیط زیست و طبیعت مسکوت مانده است. در این راه، وی متوسل به روایت زیست‌محیطی می‌شود تا با آن بتواند به انسان امروزی بقبولاند که جایگاه تمامی موجودات زنده اعم از انسان و غیرانسان بر روی کره زمین یکسان است. پرسش اصلی تحقیق این است که چگونه انسان‌محوری که ریشه تمام نابرابری‌های حال حاضر در کره هستی است با فلسفه برابری‌طلبی و اکوسوفی در تضاد می‌باشد. هر چند که در ابتدا فلسفه برابری‌طلبی و اکوسوفی در رمان مورد تجلیل قرار گرفته است و سپس بحث انسان‌محوری مطرح شده است و خط بطلانی بر فلسفه برابری‌طلبی می‌کشد. در نتیجه، نویسندگان تحقیق حاضر برای اثبات ادعای خویش از نظرات آرنه نایس، منتقد بوم‌گرا استفاده کرده‌اند.

پیشینه پژوهش

کریستینا آلت² در کتاب خود، *ویرجینیا وولف و مطالعه طبیعت* (2010)، نشان می‌دهد که چگونه وولف به‌عنوان نویسنده اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم خود را وقف مطالعه علوم طبیعی می‌کند تا از موضوعات مختلف مانند بوم‌شناسی آگاه باشد. نویسنده در این کتاب به اشتیاق زیاد وولف برای خواندن و شناخت بهتر جهان طبیعی در اوایل قرن بیستم اشاره می‌کند، «مطالعه روابط متقابل بین موجودات و بین موجودات و محیط آن‌ها، به عنوان یک رشته علمی ظاهر شد» (آلت 14). به بیان آلت، مطالعه بوم‌شناسی منجر به ظهور رشته‌ای علمی شد. توصیفات وولف از طبیعت در آثارش، مبنای مطالعه برخی از محققان بوده است، تا درک وولف از طبیعت، جهان طبیعی و در کل اکوسیستم‌ها را نشان دهد.

¹ *The Letters of Virginia Woolf*

² Christina Alt

جاستینا کوستکوسک¹، در کتاب، *زنان نویسنده بومگرا: نظریه شاعرانه زیست محیطی ویرجینیا وولف*، ژانت وینترسون²، *علی اسمیت*³ (2013) نشان می‌دهد که چگونه برخی از نویسندگان زن مانند ویرجینیا وولف، ژانت وینترسون (1959)، و علی اسمیت (1962) در آثار خود از گفتمان بوم‌شناختی بهره می‌برند، تا محیطی، که در آن شخصیت‌ها به طبیعت نزدیک‌تر هستند، را ایجاد کنند. در این مورد، کوستکوسک معتقد است که وولف علاقه‌ای آشکار به محیط زیست دارد؛ وی با توجه به آثارش یک فعال محیط زیست محسوب می‌شود. به گفته وی، وولف بر این باور است که: «پیاپیاده روی در بیرون خصوصاً در محیط طبیعی، تفکر خلاق و تحلیلی او را تقویت می‌کند» (15-16). در واقع، وولف توجه ویژه‌ای به محیط طبیعی اطراف خود دارد، زیرا استعداد، پتانسیل ادبی، خلاقیت و نبوغ وی را تقویت می‌کند.

مقاله «نوشته‌های بوم‌شناختی ویرجینیا وولف در رمان‌هایش» (2017)، «دیدگاه بوم‌شناختی وولف را در خلق آثار ادبی» نشان می‌دهد تا «تفکر بوم‌شناختی قوی» وی را بیان کند (دینگ⁴ و همکاران 1). این مقاله به دغدغه‌های زیست‌محیطی وولف در آثارش از جمله *به سوی فانوس دریایی*، *موج‌ها*، *اورلاندو* و «باغ‌های کیو» اشاره می‌کند تا وی طبیعت و اجزایش را در آثارش برای «تمرکززدایی از موقعیت انسان در جهان هستی» قرار دهد (2). این مقاله ضمن به چالش کشیدن انسان‌محوری، ارزش زیست‌محوری را برجسته می‌کند.

ناتالیا داویدکو⁵ در مقاله‌ای با عنوان «نمادگرایی در اورلاندو ویرجینیا وولف (ابزار تشخیصی اندیشه تلویحی)» (2019) به بررسی درخت بلوط در رمان *اورلاندو* می‌پردازد. وی درخت بلوط را نماد زندگی جاودانه فرض می‌کند که ریشه‌های عمیق این درخت کهنسال در داستان به بی‌نهایت می‌رسد. در واقع، نویسنده می‌پندارد که درخت نماد فناپذیری است: «درخت نمی‌میرد، او زندگی را از نو می‌سازد و بنابراین نماد ادبیت و جاودانگی است» (30). نویسنده تحقیق، تمامی قسمت‌های درخت بلوط را از دانه گرفته تا برگ و شاخه و شکوفه و ریشه از دیدگاه نمادگرایی⁶ مورد تحلیل قرار می‌دهد.

در پژوهشی با عنوان «اوضاع جوی *اورلاندو*: وولف، برایدوتی⁷ و عصر انسان‌محوری» (2022)، پیتر آدکینز⁸ به تحلیل رمان *اورلاندو* از نقطه نظر وضعیت آب و هوا و رابطه آن با موضوع انسان‌محوری پرداخته است. این مقاله با تأکید بر اوضاع جوی انگلستان از قرن پانزده تا قرن بیستم، رمان *اورلاندو* را کوشش وولف برای توصیف تغییرات شدید جوی انگلستان که به دست بشر صورت گرفته است، می‌داند: «در *اورلاندو* توصیف وولف از شرایط آب و هوا نشان دهنده ارتباط بین [...] مسئولیت اجتماعی و سیاسی است» (255). در واقع، تغییرات آب و هوای انگلستان در دوران ذکر شده در *اورلاندو* بر اساس شرایط سیاسی و اجتماعی که به دست بشر رقم خورده، بوده است.

در یک نگاه کلی، تحقیقات ذکر شده درباره‌ی رمان *اورلاندو* در رابطه با نگرانی و البته علاقه وافر وولف به طبیعت و آگاهی بوم‌شناسی وی و همچنین نگرش انسان‌محوری هستند، ولی هیچ‌کدام از دیدگاه فلسفی برابری‌طلبی و اکوسوفی در نفی انسان‌محوری به نقد و چالش کشیده نشده است. از این روی پژوهش حاضر به دیدگاه جدیدی از شاخه

¹ Justyna Kostkowsk

² Jeanette Winterson

³ Ali Smith

⁴ Ding

⁵ Natalya Davidko

⁶ symbolism

⁷ Braidotti

⁸ Peter Adkins

نقد بوم‌گرایی روی آورده است و سعی بر این دارد تا جنبه‌های جدیدی از دیدگاه نقد بوم‌گرایی در رابطه با رمان اورلانو را عرضه کند.

مبانی نظری پژوهش: فلسفه‌ی برابری‌طلبی و اکوسوفی

نقد بوم‌گرا که به‌عنوان نقد زیست‌محیطی و نقد سبز¹ نیز شناخته می‌شود (به ویژه در بریتانیا)، رشته‌ای است که به سرعت در مطالعات ادبی پدیدار شد و هدف آن برقراری آشتی بین انسان‌ها و طبیعت است. در واقع، نحوه ارتباط انسان با محیط‌زیست خود، هسته اصلی نقد بوم‌گراست. منتقدان نقد بوم‌گرا عمدتاً بر طبیعت و جهان طبیعی تمرکز می‌کنند که با متون ادبی نقد و ترسیم می‌شوند. نگرانی‌های زیست‌محیطی از طریق پاسخ‌های ادبی به مشکلات زیست‌محیطی نیز مطرح شده است. به‌عنوان مثال، برخی از این مشکلات زیست‌محیطی از قبیل جنگل‌زدایی²، آلودگی هوا، گونه‌های در خطر انقراض³، و انسان‌محوری همه به‌عنوان مفاهیم قابل بحث و مناقشه‌ای در ادبیات غرب برای قرن‌ها مطرح شده‌اند. آرنه نایس فیلسوف، فعال محیط زیست نروژی و مدافع روش‌های مبارزه صلح‌جویانه‌ی نابرابری ماهاتما گاندی⁴ (1893-1942) است. هر چند که، وی خود را فیلسوف نمی‌داند و تنها خود را در مقام معلمی می‌بیند که دانش‌آموزان را تشویق می‌کند تا «اکوسوفی» را تا حد امکان درک کنند. در واقع وی خواهان آگاه‌سازی مردم است تا به محیط طبیعی که در آن زندگی می‌کنند، اهمیت دهند. تعامل انسان و زمین باید به نحو بهتری اصلاح شود زیرا سبک زندگی انسان بر مبنای احترام متقابل به طبیعت و کره زمین است. با استمداد برابری‌گرایی در کره هستی، انسان‌ها باید به همه موجودات زنده احترام بگذارند و به جای انسان، انسانیت بر محیط تسلط پیدا کند. برابری‌خواهانی مانند نایس معتقدند که دیدگاه غیرانسان‌محوری را باید با باور برابری‌طلبانه شناخت. بر اساس نظریات نایس، هر موجود زنده‌ای از نظر وجود و حیات ارزشمند است. نایس از برابری‌گرایی به مثابه «مفهوم حقوق طبیعی» یاد می‌کند که درک زمین را به شیوه‌ای برابری‌طلبانه محترمانه نشان می‌دهد. بدیهی است که نابرابری ناعادلانه است و نتیجه چنین تمایزات ناعادلانه‌ای واقعاً فاجعه‌بار است. در نتیجه، ارزش برابری‌خواهانه از این جهت شایان توجه است که ارزش حالت‌های برابر در میان همه موجودات زنده بر مبنای مفهوم ارزش ذاتی حائز اهمیت است. نایس و دیگر نظریه‌پردازان برابری‌خواه، برابری را به این دلیل ارج می‌نهند که به ارزش‌های اخلاقی دیگر، عدم خشونت، انسانیت و خودآگاهی مرتبط است. برابری‌خواهان در پی ایجاد جامعه‌ای برابری‌طلب هستند که در آن سطح سلسله مراتبی از بین رفته باشد.

بنابراین، فلسفه نایس مبتنی بر روابط متقابل انسان و طبیعت به لحاظ افزایش خرد و آگاهی بوم‌شناسی است. نایس «اکوسوفی» را چنین تعریف می‌کند: «ترکیبی از اکو⁵ و سوفیا⁶ یا همان حکمت است [...] بنابراین اکوسوفی تبدیل به یک جهان‌بینی یا سیستم فلسفی می‌شود که از شرایط زندگی تمامی موجودات در جهان هستی الهام گرفته شده است». (بوم‌شناسی حکمت 38). وی معتقد است که از نقطه‌نظر دیدگاه فلسفی، نظم برای ایجاد ارتباط متقابل بین انسان و طبیعت ضروری است. نایس فرض می‌کند که خودآگاهی با خرد بوم‌شناسی مرتبط است، سپس خرد بوم‌شناسی یا بوم‌گرایی به اکوسوفی منجر می‌شود. وی در این رابطه متذکر می‌شود: «که از طریق متون ادبی: راه‌های جالبی برای گفتار پیدا می‌کنیم که بیانگر این است که ما انسان‌ها با جامعه‌مان واقعیت را می‌سازیم. از عباراتی مانند ابراز واقعیت در یک

¹ Green Criticism

² Deforestation

³ Extinction

⁴ Mahatma Gandhi

⁵ Eco

⁶ Sophia

جامعه به صورت آشکار پرهیز شود چرا که گاهی پیشنهاد می‌شود که ما با متون و روایت‌های خود در مورد آنچه واقعی است به حقیقت پی می‌بریم و بدین‌تریب واقعیت کشف و درک می‌شود» (بوم‌شناسی حکمت 193). ناپس به وابستگی به متون، به ویژه ادبیات، به دلیل قدرت ارتباط جمعی‌اش در مفهوم‌سازی واقعیت، اعتقاد دارد. واقعیت، نابودی طبیعت، اکوسیستم¹ و کره زمین است. بدیهی است که ناپس در مبحث قیاس‌گرایی، که در آن دو مقدمه با استفاده از منطق قیاس به یکدیگر مرتبط هستند، به دیدگاه ارسطو² فیلسوف یونان باستان روی می‌آورد. وی در واقع بر این باور است که توجیه و توصیف یک هنجار برگرفته از هنجار و نظر دیگری است که همان نظریه قیاس منطقی³ نامیده می‌شود.

مبحث انسان‌محوری دستاویزی است برای انسان که با آن حاکمیت خود را در مقابل دیگر موجودات زنده بر روی کره زمین اثبات می‌کند. آرنه ناپس معتقد است که انسان‌محوری همانند غل و زنجیری است که بر دست و پای انسان بسته شده است و او را از داشتن یک زندگی با کیفیت محروم می‌کند، چرا که زمانی که انسان با حربه انسان‌محوری دست به نابودی دیگر گونه‌های موجودات زنده و حتی نباتات می‌زند، در واقع او کمر به نابودی خود بسته است. در این مورد ناپس می‌گوید: «انسان‌محوری برای انسان‌ها به مثابه محدودیتی است که اثرات مخرب و زیان‌آوری بر کیفیت زندگی آن‌ها دارد» («مطالعه کوتاهی در جریانات سطحی و عمیق بوم‌شناسی» 18). در انسان‌محوری هیچ‌گونه برابری‌طلبی و آگاهی بوم‌شناسی دیده نمی‌شود و کاملاً جدا از هر گونه مساوات و برابری است. حقیقت امر این است که انسانی که تصور می‌کند با نادیده گرفتن تمامی موجودات زنده به استقلال رسیده است در واقع، او «به انزوا و حس بیگانگی از خود رسیده است» (18).

Pre-print Version

برابری‌طلبی و آکوسوفی با روایت‌های زیست‌محیطی در اورلاندو
جان کاتینگهام⁴ (1943-) فیلسوف اهل انگلستان عقاید آلدو لئوپولد (1887-1948) فیلسوف و طبیعت‌شناس آمریکایی را این گونه تفسیر می‌کند: «تغییر بنیادی در دیدگاه اخلاقی ما [...] پیدایش ارتباط موزون با محیط زیست» را به ارمغان آورد (585). این دیدگاه نگاهی برابری‌طلبانه در مورد طبیعت و اکوسیستم‌ها برای انسان‌ها فراهم می‌کند تا برابری را در تعریف حقوق همه انسان‌ها و غیرانسان‌ها رعایت کنند. در اورلاندو، وولف «مقام برابری زیست‌محوری را فرا می‌خواند» (دوال⁵ و سشنز⁶ 87). اورلاندو پس از سفر به ترکیه و اقامتش در آنجا جنسیتش تغییر می‌کند و پس از مدتی که می‌خواهد، خود را دختر می‌یابد. وی تصمیم می‌گیرد تا از قسطنطنیه فرار کند و در کمال تعجب خود را در میان گروهی از کولی‌ها می‌بیند. کولی‌ها در طبیعت زندگی می‌کنند و در ابتدا اورلاندو از اقامت با آن‌ها راضی است: «آن‌ها متوجه شدند اورلاندو اغلب ساعت‌ها می‌نشیند و کاری نمی‌کند جز آن که به اینجا و آنجا نگاه کند، گاه او را روی تپه‌ها می‌یافتند در حالی که به رو به رو خیره شده بود، [...] بیماری انگلیسی، عشق به طبیعت، بیماری مادرزادی او بود و در اینجا که طبیعت گسترده‌تر و قدرتمندتر از انگلستان بود به صورتی بی‌سابقه در چنگ آن اسیر شد» (Orlando 138). وولف تصویری خاص و بی‌نظیر از طبیعت را ایجاد می‌کند. به عبارت دیگر، وی طبیعت را مکانی مناسب برای زیست و ادامه حیات کولی‌ها می‌داند و بی‌توجه به سرزمین مادری خویش، یعنی بریتانیا، با تمام وجودش صدای

¹ Ecosystem

² Aristotle

³ Syllogism

⁴ John Cottingham

⁵ Devall

⁶ Sessions

طبیعت را می‌شنود و از فضای بکر باشکوه آن نهایت لذت را می‌برد. وولف، با خلق اورلاندو در میان کولی‌ها، اعلام می‌کند که طبیعت در هر مکانی، چه در غرب و چه در شرق، باشکوه و شگفت‌انگیز است.

در حقیقت وولف می‌کوشد برابری را ابتدا در طبیعت پایه‌گذاری کند. اینکه طبیعت در شرق و غرب زیبا و بی‌بدیل می‌باشد، وفاداری وولف را به فلسفه‌ی برابری‌طلبی نشان می‌دهد. وی با روایت زیست‌محیطی و با احترام به فرهنگ برابری‌طلبی طبیعت بکر را به تصویر می‌کشد، همان‌طور که نایس تفسیر می‌کند: «خداوند همه را به یک اندازه خیر و برکت می‌دهد.» (بوم‌شناسی، اجتماع و روش زندگی 184). نایس به برابری میان همه موجودات زنده اشاره می‌کند و اینکه خداوند فرهنگ مساوات‌طلبی را به جهان عنایت می‌کند، یعنی هیچ موجود زنده‌ای بر دیگری برتری ندارد، حتی انسان‌ها نیز از این قضیه مستثنی نیستند. در اورلاندو، وولف چشم‌انداز زیبای کولی‌هایی را که در طبیعت بکر زندگی می‌کنند، برجسته می‌سازد.

اگرچه وولف تمایلی بریتانیایی به طبیعت دارد، اما در اورلاندو، طبیعت شگفت‌انگیز و نفس‌گیری را خلق می‌کند که برای اورلاندو بسیار آرامش‌بخش است. گویی که عقیده برابری‌طلبانه وی در مورد ماهیت کولی‌ها متضمن نوعی تفکر زیست‌محوری است که به نقل از لسی گورالنیک¹ و مایکل پل نلسون² «برابری‌طلبی پویای رادیکال تعریف می‌شود» (151). وولف، در جایگاه زنی تساوی‌خواه با استفاده از روایت زیست‌محیطی، تلاش می‌کند تا نگرش مردم را در مورد طبیعت و اهمیت آن بی‌توجه به موقعیت جغرافیایی آن تغییر دهد. وولف از سبک ادبی اورلاندو در قالب زندگی‌نامه و گفتمان برای دستیابی به حقیقت حمایت می‌کند. وی به‌مثابه یک زندگی‌نامه‌نویس «درگیر کشف حقیقت است» تا روشنی «حقیقت و واقعیت ما را از طریق ادبیات» توصیف کند (تریارد³ 70 - 269).

در باب حقیقت، وولف ادعا می‌کند، «هیچ‌کس با قاطعیت نمی‌نویسد مگر اینکه به نوعی به حقیقت دست یابد» (مقاله‌های وولف 329). حقیقت از دیدگاه وولف نوعی آگاهی است که از طریق اکوسوفی حاصل می‌شود و ناگفته نماند که وولف خود به این سطح از آگاهی رسیده است: «اورلاندو آگیری بر قله‌ی کوه یافت و تقریباً خود را در آن انداخت تا به جستجوی خردی برآید که تصور می‌کرد در آن نهفته است و هنگامی که از قله‌ی کوه به دور دست نگرید، به آن سوی دریای مرمره [...] سپس به پایین نگرید، سنبل‌ها و زنبق‌های ارغوانی او را واداشتند تا در اوج لذت نیکی و زیبایی طبیعت را فریاد برآورد» (Orlando 39-138). وولف به‌وضوح بیان می‌کند که به آن خرد بوم‌شناسی رسیده است. برای مثال، اورلاندو زمانی که به طبیعت می‌نگرد، فقط نگاه نمی‌کند بلکه با چشم دل باور دارد که انسان جزئی از طبیعت است و در این منظره‌ی باشکوه و نفس‌گیر و البته پهناور چگونه می‌تواند خود را برتر و والاتر بداند. جرج سشنز و آرنه نایس در حالی که در دره مرگ⁴، دره‌ای بیابانی واقع در کالیفرنیا شرقی کمپ زده بودند، اصول بوم‌گرایی ژرف را بیان کردند. این اصول شامل تمامی گونه‌ها از جمله انسان نیز، است.

از دیدگاه نایس بوم‌گرایی ژرف یعنی «حفظ تنوع گونه‌های زیستی و همزیستی مسالمت‌آمیز است که منجر به قائل شدن حق زندگی برای همه موجودات زنده است» («مطالعه کوتاهی در جریان‌ات سطحی و عمیق بوم‌شناسی» 19). محافظت از زمین با همه‌ی ساکنانش، هدف برجسته بوم‌گرایی ژرف و فلسفه‌ی برابری‌طلبیست. نایس، به وضوح، هدف بوم‌گرایی ژرف را انگیزه‌ای برای برقراری صلح و آرامش می‌داند. وی در این باره می‌گوید: «هدف نهضت بوم‌گرایی ژرف قاطعانه برقراری صلح و آرامش است» (بوم‌شناسی حکمت 100). منظور وی از صلح و آرامش همانا احترام به

¹ Lissy Goralnik

² Michael Paul Nelson

³ Thirriard

⁴ Death Valley

طبیعت و تنوع زیستی در هر منطقه است. بدین وسیله این خود راهی برای جلوگیری از خشونت و خونریزی است و در نهایت این راه به برابری طلبی و در پی آن برقراری آرامش ختم می‌شود. سهراب طاووسی و شهره چاوشیان اعتقاد دارند که دیدگاه بوم‌گرایی ژرف برای تمام جانداران از جانداران میکروسکوپی گرفته تا غول پیکرترین آن‌ها احترام قائل است و آن‌ها از «ارزش فی‌نفسه و ذاتی برخوردارند صرف نظر از این که این گونه‌ها در خدمت خواسته‌های انسان باشند یا نباشند» (119). تمامی جانداران از هر گونه‌ای که باشند از اینکه آن‌ها سود برای انسان داشته باشند و یا حتی نداشته باشند قابل احترام هستند.

بنابراین، در ابتدا عشق به طبیعت با تمامی اجزا آن چه جاندار و بی‌جان هدف فلسفه‌ی برابری‌طلبی است که جز با احترام به حق طبیعی تمامی موجودات و حتی تمامی اجزا طبیعت میسر نمی‌شود. وولف با توصیف زیبایی طبیعت در جستجوی بیدارسازی برای مشاهده و درک صحیح طبیعت و محیط زیست است. مصداق این معنا در *اورلاندو* مشهود است: «گل‌های یخ، زعفران، سنبل، مگنولیا، رز، مینا و کوکب در همهی گونه‌هایشان کاشته شد، درخت‌های سیب، درخت‌های توت و شاتوت به همراه بوته‌های بی‌شمار گل‌های نایاب و درخت‌های همیشه سبز چنان در هم رسته بودند که ریشه‌های هر یک روی دیگری بود و ذره‌ای خاک را نمی‌دیدید که شکوفا نشده باشد» (*Orlando* 107). این توصیف شگفت‌انگیز گل‌ها حاکی از عشق سرشار وولف به طبیعت در پی آگاهی‌بخشی به جامعه است. شاید گل‌های ذکر شده هر روز دیده شوند ولی مورد توجه کافی قرار نمی‌گیرند و حتی گاهی ناآگاهانه یا آگاهانه افراد دست به تخریب آن‌ها می‌زنند.

در واقع، گویی وولف در پی احیای اکوسوفی است که همانا توجه خوانندگان خود را به مسئولیت‌های زیست‌محیطی جلب کند که به واسطه اکوسوفی، وضعیت پدگاه‌های بوم‌شناسی و اکوسیستم تغییر کرده است: «*اورلاندو* پرندگانی وحشی و رنگارنگ و دو خرس از مازنی آورد که یقین داشت در پشت تنخویی آن‌ها قلبی قابل اعتماد نهفته بود» (*Orlando* 107). اکوسوفی برای مبارزه با انسان‌محوری مطرح شده است، اصطلاحی که نشان می‌دهد انسان‌ها باعث نابودی جهانی با تنوع زیستی شده‌اند که وولف بسیار زیرکانه در رمان خود به گونه حیوانی و گونه نباتی اشاره می‌کند و این تنوع زیستی را به مخاطبین خود یادآوری می‌کند. با روایات زیست‌محیطی وولف حقیقتی ناب را در مورد طبیعت و محیط زیست بیان می‌کند. دانش روایتی¹ که توسط اسکات اسلوویک² (1960-) ابداع شد، نوعی روایت است که می‌پرسد «در زندگی‌ام از کجا آمده‌ام، این چیزی است که به آن می‌اندیشم، این چیزی است که نگرانش هستم، و اجازه دهید از طریق ارتباط شخصی به شما دست یابم» (رومرو³ 75). این نوع روایت ارتباطی مستقیم با قصد نویسنده در افشای تخلیقات درونی‌اش دارد.

چالش انسان‌محوری در روایت

اورلاندو بیانگر تلاش وولف در نگارش متنی است که «جوهر واقعیتی» را به تصویر می‌کشد که فراتر از طیف گسترده روایت است (*Diary*⁴ جلد دوم 113). این رمان ماهیت واقعی زندگی را با نگاهی روایی بیان می‌کند. وولف در *اورلاندو* فرهنگ انسان‌محوری را با خلق روایت تلخ انسان‌محوری به چالش می‌کشد. در حقیقت، روایت انسان‌محور، به

¹ نوعی روایت است که نشان می‌دهد چگونه نویسنده سعی در خلق دوباره محیط‌زیست و دنیای پیرامون خود دارد. Narrative Scholarship

² Scott Slovic

³ Romero

⁴ *The Diary of Virginia Woolf*

بیان ارن جیمز¹ «روابط پویا بین انسان‌ها و همتایان غیرانسانی آن‌ها را مورد تأکید قرار می‌دهد» (32). ویژگی‌های روایت‌شناختی شامل سه مورد مانند زمان، حالت و صدا (گفتگو و کانون‌سازی) هستند، که در *اورلاندو* نیز برجسته شده‌اند: «گرچه بیش از آن مودب بود که بخواهد فاش بگوید، می‌اندیشید بربریتی بیش از آن متصور نیست که کسی به داشتن صداها اتاق خواب بیال (در این هنگام آن‌ها روی تپه ایستاده بودند: شب بود کوه‌ها اطرافشان را احاطه کرده بودند) وقتی که تمامی زمین از آن ماست» (*Orlando* 143). کولی‌هایی که از دل طبیعت بر می‌خیزند و بی‌هیچ محدودیتی تمام زندگی خویش را وقف آن می‌کنند، زمین‌ها را دارایی‌ها و متعلقات خود می‌نامند. با این وجود، اجداد اورلاندو با ساخت خانه‌های زیادی در این زمین‌ها، دخالت و تسلط خود را نشان دادند؛ ولی کولی‌ها تمایل دارند تا از تخریب زمین‌ها و طبیعت توسط این مردان و جاه‌طلبی آن‌ها برای ساخت ویلاها و خانه‌های مجلل جلوگیری کنند: «اورلاندو وقتی از دید کولیان به موضوع نگاه می‌کرد. می‌فهمید که دوک چیزی نبود جز فردی سودجو و دزد که زمین و پول را از مردمی می‌ربود که چنین چیزهایی را حقیر می‌دانستند و نمی‌توانست فکر بهتری داشته باشد جز آن که سیصد و شصت و پنج اتاق خواب بسازد وقتی یکی کافی بود و هیچ‌کدام بهتر از همان یکی نبود» (*Orlando* 143). اورلاندو از جاه‌طلبی‌های جد خویش آگاه است که چطور سرزمین‌ها را در دست می‌گیرند و پادشاهی خویش را در آن‌ها مستقر می‌کنند. در روایت انسان‌محور، وولف نشان می‌دهد که نشانه‌ای از اکوسوفی یا همان آگاهی بوم‌شناسی دیده نمی‌شود و انسان‌ها نباید زمین و طبیعت را تنها برای ارضای خواسته‌های خویش تخریب کنند.

وولف با پرداختن به اجداد اورلاندو در مورد اشغال سرزمین‌های بکر و تصویرسازی موقعیت ذهنی آن‌ها، از روایت انسان‌محور در *اورلاندو* بهره می‌برد. این نوع روایت مبتنی بر موقعیت ذهنی انسان‌ها به‌عنوان عاملی کم‌رسان به فرهنگ انسان‌محور است که زندگی انسان‌ها را بدون توجه به طبیعت و جهان هستی، هرچند سطحی شادتر می‌کند. همان کاری که اجداد اورلاندو برای شادی خویش انجام دادند. بیمان بهاروند و بختیار سجادی، بر این عقیده‌اند که انسان‌ها با تکیه بر مفهوم برتری انسان بر طبیعت به منفعت‌طلبی خویش در طبیعت ادامه می‌دهند: «در حقیقت، رویکردهای متفاوت اروپایی‌ها و بومیان آمریکایی در مقابل محیط پیرامونشان را می‌توان به ترتیب مصادیق بارز انسان‌مداری و زیست‌مداری دانست» (25). بنابراین همواره این دو مفهوم انسان‌محوری و زیست‌محوری در تقابل و تضاد بوده‌اند، هستند و خواهند بود.

نایس، در کتاب *بوم‌شناسی، اجتماع و روش زندگی*، اشاره می‌کند که: «واکنش منفی فزاینده نسبت به افزایش جمعیت بشری، ایجاد خصومت نسبت به انسان نیست، برعکس، گویی تحقق انسان طبیعت آزاد را می‌طلبد و نیاز دارد. «همنوع‌محوری²» و «انسان‌محوری»، [...]، اغلب به شیوه‌ای تحقیرآمیز استفاده شده‌اند» (141). نایس تأیید می‌کند که با افزایش سریع جمعیت، انسان بدون شک نیاز به فضای بیشتری دارد. بنابراین «رشد سریع جمعیت انسانی، پیشرفت غیراخلاقی تکنولوژی و مصرف بی‌رویه غذا، آب، انرژی و مواد باعث شده است [...] که سیاره زمین به سمت نابودی وصف‌ناپذیری از نقطه نظر بوم‌شناسی پیش رود» (کرسیت³ 201). انسان برای اینکه خانه خود را بنا کند و بقا خود را تضمین کند، خانه و زیستگاه جانداران دیگر را تخریب می‌کند و البته این جنگ علنی با طبیعت برای او همیشه توان‌سنگینی داشته است. همچنین، بهمن زرین‌جویی می‌گوید به دام انداختن ببر بنگالی و نبرد آن با انسان‌ها یادآور این است: «ببر را می‌توان به مثابه نشانه‌ای از قدرت طبیعت در نظر گرفت که در جهت انتقام‌گیری از انسانی که دست به تخریب

¹ Erin James

² Homocentrism

³ Crist

طبیعت زده است، وارد صحنه می‌شود بی‌رحمانه انسان‌ها را از پای درمی‌آورد» (123). قدرتی که به ببر داده شده است، تمثیلی از قدرت طبیعت است که انسان با سوءاستفاده و بهره‌کشی از آن نه تنها طبیعت را تخریب می‌کند بلکه دست به نابودی خود نیز می‌زند. چرا که ارتباط بین انسان و طبیعت دو طرفه است.

انسان‌ها همواره در پی احیاء نیازها و حاجت‌های خویش هستند و با نگاه بزرگ‌بینی خویش زمین را ناچیز و نادیده می‌گیرند. بنابراین، بهره‌برداری از زمین بر مبنای دیدگاه انسان‌محوری و تسلط انسان انجام می‌شود. در واقع، هم‌نوع محوری در خدمت انسان‌محوری است که تنها به یک گونه یعنی انسان اشاره دارد. وولف در *اورلاندو* به دنبال راهی است که از طبیعت غافل نشود. وی برای بهره‌برداری انسان از زمین‌ها و منابع طبیعی نگران است. در این‌باره، دیانوش صانعی و جلال سخنور این‌گونه بیان می‌کنند: «دنیای امروز، از نظر فجایع زیست محیطی، تخریب منابع طبیعی و تغییرات آب و هوایی وضعیتی بحرانی دارد» (210). بهره‌کشی از منابع طبیعی و تخریب طبیعت وضعیت نگران‌کننده‌ای به وجود می‌آورد که منجر به نابودی خود بشریت به وسیله انسان‌محوری می‌شود. همچنین، دوال و سشنز، در کتاب *بوم‌گرایی ژرف*¹، بر نقش انسان در تسلط بر طبیعت و فرهنگ به‌مثابه ابزاری تغییردهنده برای انسان‌ها در پیگیری کامل نیازهای خود تاکید می‌کنند، «انسان‌ها به تسلط بر طبیعت ادامه خواهند داد زیرا آن‌ها برتر هستند، برتر از بقیه طبیعت هستند، زیرا انسان‌ها علاوه بر وراثت ژنتیکی خود دارای نوعی میراث فرهنگی و متمایز از آن هستند» (43). به‌عبارتی، فرهنگ ابتدایی‌ترین و عالی‌ترین تصور در تعدیل دیدگاه انسان برای ایستادگی در راس جهان نسبت به موقعیت انسان بر روی زمین است. با استمداد از فرهنگ، انسان به جایگاه خداگونه دست می‌یابد.

وولف در توصیف خانه مجلل *اورلاندو* بیان می‌کند که چگونه درختان بلوط با آشیانه‌ی پرندگان صرفاً برای گرم کردن محل زندگی او طعمه انسان می‌شوند: «میزهایی طولیل قرار داشت پر از ظروف نقره و طلا و بخاری‌های بزرگی از مرمر خشک ایتالیا که هر شب یک درخت بلوط با میلیون‌ها برگ و آشیانه‌ی کلاغان و چکاوکان در آن می‌سوخت و به خاکستر بدل می‌شد» (*Orlando* 83). در اینجا وولف اشاره به تخریب زیستگاه طبیعی پرندگان می‌کند. زمانی که درختان می‌سوزند، در واقع پرندگان هم در آتش سوخته و خاکستر می‌شوند و این خود مصداق بارز انسان‌محوری است. انسانی که برای مقاصد خود که همانا گرم شدن در هوای سرد است دست به تخریب طبیعت می‌زند. در جایی دیگر در *رمان وولف* اشاره مستقیم به موضوع انسان‌محوری دارد و در حقیقت این موضوع را به چالش می‌کشد چرا که او پایبند فلسفه برابری‌طلبی مبتنی بر آگاهی بوم‌شناسی است: «نیمکت‌ها روی آوارهای شیران و گردن قوها قرار داشتند و رختخواب‌ها از بهترین پره‌های قو بود به تنهایی کامل نبودند. باید انسان‌ها بر آن‌ها می‌نشستند؛ انسان‌ها در آن‌ها می‌خوابیدند تا وجود خود را اثبات کنند» (*Orlando* 108). وولف با نام بردن از حیواناتی همچون شیر و قو که به منظور تزئین منزل به کار رفته‌اند درصدد آشکارسازی تلاش بی‌وقفه انسان برای اثبات برتری خود نسبت به دیگر جانداران است. زمانی که وولف بیان می‌کند که انسان سر بر بالینی می‌گذارد که با پره‌های قو پر شده است در حقیقت وی محوریت انسانی را نشان می‌دهد که دست به تخریب طبیعت و ساکنان آن می‌زند و برای آرامش و آسایش خود از هیچ کوششی در این میان دریغ نمی‌کند حتی کندن پره‌های زیبای قو.

ناثومی پرز² بر این باور است که وولف در *اورلاندو* به انقلاب صنعتی که در نیمه دوم قرن هجدهم در بریتانیا اتفاق افتاد اشاره می‌کند: «وولف آشکارا بیان می‌کند که صنعتی شدن در انگلستان تمامی جنبه‌های زندگی، از نمای بیرونی ساختمان‌ها گرفته تا تزئین داخلی منازل، تا ارتباط انسان‌ها را تحت‌الشعاع قرار داده است» (129). کلام آخر

¹ *Deep Ecology*

² Perez Naomi

اینکه صنعتی شدن زندگی در خدمت انسان‌محوری بوده و همانطور که وولف به نوع تزئین منزل مجلل اورلاندو اشاره می‌کند، در واقع تخریب طبیعت و کشتن حیوانات که برای ارضای لذت‌گرایی انسان بوده است را زیر سوال می‌برد. بنابراین، چه اشغال زمین‌های بکر طبیعت و بنا کردن خانه‌های مجلل در آن و چه تخریب زیستگاه‌های حیوانات مانند کندن و سوزاندن درختان حاکی از صنعتی شدن و انسان‌محوری است که در تضاد شدید با فلسفه‌ی برابری‌طلبی است.

نتیجه‌گیری

شخصیت داستانی وولف «اورلاندو» نمادی از نقد فرهنگ انسان‌محوری با روایت‌های زیست محیطی به منظور اعتلای اکوسوفی و تبیین فلسفه برابری‌طلبی است. وولف در *اورلاندو* تاکید می‌کند که گفتمان داستانی نوین بر موضوعات گوناگونی از جمله کره زمین و زیبایی آن، همچنین حفظ طبیعت و محیط‌زیست استوار است. وی تلاش می‌کند تا حقیقتی را در داستان *اورلاندو* روایت کند که انسان‌ها از دیرباز با آن روبه‌رو بوده‌اند؛ ولی به سادگی آن را کشف نکرده‌اند که همانا خرد بوم‌شناسی یا اکوسوفی است که برای درک فلسفه‌ی برابری‌طلبی لازم و ضروری است. وولف بر تغییری که باید در آگاهی جمعی رخ دهد تمرکز می‌کند. این تغییر در آگاهی جمعی، در مورد نگرش برابری‌طلبانه، جهان یا زمین را خشنود می‌کند و زندگی بدون خشونت را به آسانی در دسترس قرار می‌دهد. از این نظر، لذت و رضایت متقابل میان همه گونه‌های زنده با نگرش برابری‌خواهانه امکان‌پذیر می‌شود. وولف نگرانی‌های انسان‌محور در رمان را به چالش می‌کشد که چگونه انسان‌ها به زیستگاه موجودات دیگر اهمیت نمی‌دهند و فقط نگران حیات خودشان هستند.

Pre-print Version

Environmental Narratives: Egalitarian Philosophy and Ecosophy in Denying Anthropocentrism in Virginia Woolf's *Orlando*

Abstract

Introduction: *This research aims to analyze Virginia Woolf (1882-1942)'s Orlando: A Biography (1928) based on environmental narrative, egalitarian philosophy and ecosophy to criticize anthropocentrism. The theoretical framework is mainly based on Arne Naess's philosophies of egalitarianism and ecosophy which show how Woolf, through environmental narratives, clarifies the significance of nature and environment. Naess believes that a systematic discipline in terms of philosophical view is essential to develop interconnectedness between humans and nature or ecological system. He assumes that self-realization is linked with ecological awareness, then knowing ecology or ecologism leads to ecosophy. In the novel, Orlando, as the main character, reaches a kind of ecological self-recognition and egalitarian tendency. When she is among gypsies, she is drawn to the eyecatching beauty of nature and she knows that how humans can be attached to nature without pay attention to their anthropocentric interest. The article finally indicates that how all living beings, including humans are respectful and humans are not unique species and must not spoil lands and nature to satisfy their own desires.*

Background of the Study: *This study focuses on Orlando: A Biography and it is framed to investigate the novel by illustrating the environmental narrative through egalitarian philosophy and ecosophy. It also demonstrates that how humans seek the value of life, and their happiness and satisfaction. Virginia Woolf, as a British novelist, in Orlando ponders the various effects of time, from fifteenth century to the turn of the nineteenth century, on nature and environment. Woolf's fictional character is subjectively a symbol of highlighting the egalitarian culture via environmental narratives. Woolf has utilized the natural world to portray the significance of its trouble created by humans. Therefore, she puts a lot of stress on nature, environment, and non-humans in her works. She can be regarded as a philosopher who has developed egalitarian culture designating respect for all the living beings and she struggles to show the interaction between humans and the earth that should be modified in a better way.*

Methodology: *The present study applies the egalitarian philosophy and ecosophy which are categorized in the theory of ecocriticism. Ecocriticism is an interdisciplinary study that concentrates on common grounds, relationships and affiliations exit between two different fields of study: ecology and literature. Arne Naess who is an eco-philosopher and ecocritic by*

turning to ecocriticism announces that the relationships between humans and nature can be possible by increasing ecological wisdom and awareness. Naess relies on biospherical egalitarianism that is to consider the environment as an entity that has its right to be safe. He believes that the rights of the environment are as important as human rights. The species' equality is proposed by Naess. He comes to conclusions that all living beings must live on the planet earth without spoiling one another's benefits and rights. As a result, this study illustrates how Naess as an ecocritic attempts to modify the interaction of humans, nature, and environment.

Conclusion: *Orlando is Woolf's attempt to reveal how nature and environment have the same rights to be kept alive. Woolf uses environmental narrative to show the right place of humans in nature. She criticizes anthropocentrism and challenges the anthropocentric views through her narrative. She thinks that people need the ecological awareness to reach an egalitarian perspective not to hurt nature and environment any longer.*

Key Words: *Anthropocentrism, Ecocriticism, Ecosophy, Environment, Environmental Narrative, Egalitarianism, Nature.*

Pre-print Version

References

- Adkins, Peter. "The Climate of *Orlando*: Woolf, Braidotti and the Anthropocene." *Comparative Critical Studies*, vol.19, no.2, 2022, pp. 237-257.
- Alt, Christina. *Virginia Woolf and the Study of Nature*. New York: Cambridge UP, 2010.
- Amanolahi Baharvand, Peyman and Seyd Bakhtiyar Sadjadi. "Anthropocentrism vs Biocentrism: The Treatment of the Natural World by Human Subjects in James A. Michener's Chesapeake." *Critical Language and Literary Studies*, vol. 10, no. 23, Autumn and Winter 2019, pp. 32-61.
- Cottingham, John (ed). "Our Relationship to Environments." *Western Philosophy: An Anthology*. 2nd Ed. Oxford: Blackwell Publishing, 1996, pp. 585-590.
- Crist, Eileen. "Animals." *The Cambridge Companion to Literature and the Anthropocene*. Edited by John Parham. Cambridge: Cambridge UP, 2021, pp.196-211.
- Davidko, Natalya. "Symbolism in Virginia Woolf's *Orlando* (Cognitive Tools of Figurative Thought)." *English Linguistics Research*, vol. 8, no.4, 2019, pp.27-37.
- Devall, Bill and George Sessions. *Deep Ecology*. Utah: Gibbs M. Smith, Inc., 1985.
- Ding, Wei et al. "Virginia Woolf's Ecological Writing in Her Novels." *English Language, Literature & Culture*, 2017: 2(1), pp. 1-4.
- Goralnik, Lissy and Michael Paul Nelson. "Anthropocentrism." *Encyclopedia of Applied Ethics*. Edited by Ruth Chadwick. 2nd Edition, vol 1. San Diego: Academic Press, 2012, pp. 145-55.
- James, Erin. *The Storyworld Accord: Econarratology and Postcolonial Narratives*. Lincoln: University of Nebraska, 2015. Print.
- Kostkowsk, Justyna. *Ecocriticism and Women Writers: Environmentalist Poetics of Virginia Woolf, Jeanette Winterson, and Ali Smith*. London: Palgrave Macmillan, 2013.
- Naess, Arne. "The Shallow and the Deep, Long-Range Ecology Movements: A Summary." *Philosophical Dialogues: Arne Naess and the Progress of Ecophilosophy*. Edited by Nina Witoszek and Andrew Brennan. Lanham: Rowman & Littlefield Publishers, 1999.
- Naess, Arne. *Ecology of Wisdom*. Edited by Alan Drengson and Bill Devall. Berkeley: Counterpoint, 2008.
- Naess, Arne. *Ecology, Community and Lifestyle: Outline of An Ecosophy*. Translated by David Rothenberg. Cambridge: Cambridge UP, 1989.
- Perez, Naomi. "*Orlando* in the Anthropocene: Climate Change and Changing Times." *The Anthropocene: Approaches and Contexts for Literature and the Humanities*. Edited by Seth T. Reno. New York: Routledge, 2022, pp.125-134.

- Romero, Diana. Villanueva. "Reflections on Literature and Environment: An interview with Scott Slovic." *Ecozon*, no. 12, 2010, pp. 67-86.
- Sanei, Dianoosh, and Jalal Sokhanvar. "Cultural-environmental Discourses in Margaret Atwood's *The Handmaid Tale*." *Critical Language and Literary Studies*, vol. 14, no. 19, Autumn and Winter 2017, pp. 209-31.
- Thirriard, Maryam. "Biographical Truth as Represented in Virginia Woolf's *Orlando: A Biography*." *Halopen Science*. Paris: Honoré Champion, 2020, pp. 265-7.
- Tavoosi, Sohrab, and Shohreh Chavoshian. "An Ecocritical Reading of Vladimir Nabokov's *Pinn*." *Critical Language and Literary Studies*, vol. 16, no. 23, Spring and Summer 2019, pp. 119-142.
- Woolf, Virginia. *Orlando*. Translated by Farzaneh Ghojloo. Tehran: Gathreh Publishing, 1385.
- Woolf, Virginia. *The Letters of Virginia Woolf, vol. 1: 1988-1912*. Edited by Nigel Nicolson and Joanne Trautmann. New York: Harcourt Brace Joranson, 1975.
- Woolf, Virginia. *The Diary of Virginia Woolf, vol. 2: 1920-1924*. Edited by Anne Olivier Bell, Florida: Harcourt, 1978.
- Woolf, Virginia. *The Essays of Virginia Woolf: Volume Two 1912-1918*. Edited by Andrew McNeillie. London: Harcourt Brace Joranson, 1987.
- Zarrinjooee, Bahman. "A Discourse of Other-Nature: An Ecocritic Postcolonial Study of Rare Beast Creatures in Amitav Ghosh's *Hungry Tide*." *Critical Language and Literary Studies*, vol. 14, no. 18, Spring and Summer 2017, pp. 103-32.